



جمع بندی ادله تحریم:

۱. ضرورت و اجماع، حرمت را فی الجمله ثابت می کند و اگر قیودی را در حرمت سحر اخذ کنیم و یا اقسامی از آن را حلال به حساب آوریم، مخالفت با اجماع و ضرورت نشده است.

۲. در میان روایات:

از دسته اول: روایت های ۲، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ (اگر به تناسب حکم و موضوع آن را حمل بر آن نوع از سحر نکنیم که لازمه اش تکذیب خداست)، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و از دسته دوم، همه روایات نیز از روایت چهارم مطلق است و سحر را به نحو مطلق تحریم کرده است.

۳. هم چنین از دسته اول: روایت ۱ (بنابر استظهار صاحب حدائق) و ۵ (به سبب اینکه ابطال را جایز دانسته است، بنابر اینکه بگوئیم ابطال سحر به سبب سحر بودن است)، سحر را در فرض خاص (اضرار به غیر) تحریم کرده اند، روایت دیگری را نیز می توان با این مضمون یافت که در ادامه خواهیم خواند.^۱

۴. روایت ۹ از دسته اول و ۴ از دسته دوم در موضوع خاصی است و اطلاق گیری از آن ممکن نیست.

۵. از مرحوم خوئی در اینکه آیا حکم تحریم سحر مطلق است و یا مقید است به صورتی که باعث شود دو قول نقل شده است. محاضرات فی الفقه الجعفری می نویسد:

«المقام الثانی: فی حکم السحر، و لا یخفی أن القول بتحریمه مطلقا سواء كان مضرا و موجبا لایذاء مؤمن أو لم یکن مبنی علی أن یكون للأخبار اطلاق، و هو بعید، فإن الظاهر من قوله تعالی فی البقرة/۱۰۲: (و یتعلمون منهما ما یضرمهم و لا ینفعهم) ترتب الذم علی خصوص ما یضر و لا ینفع، و قد ورد فی تفسیر الآیة ما یقرب من هذا، و مثله ما ورد فی الساحر الذی تاب اذ یقول له الإمام علیه السلام: «حل و لا تعقد» فإبراز ما لا واقع له بصورة الأمر الحقیقی لا حرمة فیہ إلا إذا أوجب ضررا فی عقل مؤمن أو فی بدنه، و یؤیده أخذ عنوان الضرر بأحد الوجهین فی موضوع السحر فی بعض الکلمات التي حکاها المصنف رحمه الله.»^۲

۱. مستدرک، ج ۱۳، ص ۱۰۹.

۲. محاضرات فی الفقه الجعفریات، ج ۱، ص ۲۹۳.

ولی مصباح الفقاهه می فرماید:

«هل تختص حرمة السحر بالمضر منه أو تعم غير المضر أيضا؟ فيه خلاف. فالمحكي عن الشهيدین فی الدروس و لك ان المعتبر فی السحر الإضرار، و عن شارح النخبة أن ما كان من الطلسمات مشتملا على إضرار أو تمويه على المسلمین أو الاستهانة بشيء من حرمان الله فهو حرام، سواء عد من السحر أم لا، و عن جملة من الأكابر انه حرام مطلقا سواء أ كان مضرا أم لا تمسكا بظاهر الإطلاقات المتقدمة، و من هنا ظهر أنه لا وجه لتقييد السحر بما كان مؤثرا فی بدن المسحور أو عقله أو قلبه من غير مباشرة كما عرفته عن العلامة فی القواعد.

و قد يستدل على اختصاص حرمة السحر بالمضر منه ببعض الروایات الواردة فی قصة هاروت و ماروت، و سیأتی ذكرها.

و فيه أولا: أن هذه الروایات ضعيفة السند. و ثانيا: أنه لا تنافی بينها و بین المطلقات الدالة على حرمة السحر مطلقا.^۱

۶. در جایی که دو دسته دلیل داریم، که یک دسته، یک شی را به نحو مطلق، تحریم می کنند و دسته دوم به نحو مقید آن را تحریم می کنند، حضرت امام به «تقیید» قائل نشده اند (و دو حکم مستقل برقرار است)

«ما كان الدليلان نافیين، كقوله: «لا تشرب الخمر»، و «لا تشرب الخمر العنبي»، فلا إشكال فی عدم الحمل، إلا مع قيام القرينة، لعدم التنافی بينهما، و عدم المفهوم للتقييد. تأمل.»^۲

۷. اگرهم این سخن را نپذیریم، ادله تقیید از ظهوری که توان تقیید داشته باشند برخوردار نیستند و قابل حمل بر معنایی هستند که با اطلاق قابل جمع باشد.



۱. مصباح الفقاهة (المكاسب)، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۳۳۷.